

بررسی و تحلیل انتظار در شعر حسین منزوی از منظر مکتب اسلامی - عرفانی

رضا هادی‌لو^۱
تورج عقدایی^۲
حیدر حسن‌لو^۳
مهری تلخابی^۴

چکیده

در میان عناصر فکری و اندیشه، مسأله انتظار و آزادیخواهی و ظلم‌ستیزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که برگرفته از مکتب شیعی و ادیان آسمانی، به‌ویژه اسلام است که قدرت خارق‌العاده‌ی آن و تأثیرات گسترده‌اش در مسیر حرکت اجتماعی و سیاسی جامعه ما و نگرش‌های معرفتی و اخلاقی و عرفانی در ادوار مختلف، انکار ناپذیر است.

منزوی در مجموعه آثار خود در دو قالب شعری غزل و مثنوی بطور صریح به مسأله موعود و انتظار پرداخته است که این بیانگر آن است که وی نیز همانند دیگر منتظران ظهور حقیقت باور قلبی بر این امر داشته است و می‌توان گفت که حتی در سروده‌های عاشقانه‌ی وی نیز نوعی رابطه‌ی انتظار-امید، تأویل معشوق به مهدی (ع) و قطعی بودن آمدن منجی وجود دارد.

در این مقاله تلاش می‌شود ماهیت مسأله انتظار و آزادی‌خواهی و مقاومت و ماهیت اعتراض مسئله انتظار در جریان فکری و ظلم‌ستیزی با تکیه بر غزلیات حسین منزوی مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها:

انتظار، عرفان اسلامی، مکتب شیعی، حسین منزوی.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

^۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. نویسنده مسئول:

Dr.aghdaie@gmail.com

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

^۴ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

پیشگفتار

انتظار، مفهومی است که از زوایای مختلف، تعاریف متفاوتی دارد. در دانشنامه دانش گستر، ذیل واژه انتظار چنین آمده است: «انتظار اصطلاحی در سنت شیعی به معنای منتظر ظهور امام دوازدهم بودن و خود را برای ظهور او آماده کردن. انتظار در روایات فراوان یکی از وظایف مهم مسلمانان در عصر غیبت دانسته شده و در روایتی از پیامبر(ص) بهترین عمل امت اسلامی خوانده شده است». (دانشنامه دانش گستر، ۱۴۲: ۱۳۸۹)

در فرهنگ و از نظر لغوی، انتظار را این گونه معنی می کنند: «چشم به راه بودن، چیزی را چشم داشتن، چشم داشت.» (لغت نامه ی دهخدا، ذیل واژه انتظار)

از دید مذهبی (تشیع) «انتظار، امیدی است به آینده ای نوید بخش و سعادت آفرین که در آن، به رهبری قانای عظیم، جهان از مفسد و بدبختی ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح، آسایش و امنیت را در پیش می گیرد.

انتظار، آرزومندی به رسیدن آینده ای است که در آن، ستم و تبعیض، تعدی و اجحاف نیست؛ بدکاری و بدخواهی به هر نوع محکوم می شود، ظلم و نابرابری از جامعه رخت بر می بندد و بشریت، طریق فضیلت را در پیش می گیرد. انتظار چشم به راهی برای تحقق عدل و حق است؛ امید به رفع تعلقات نژادی، طبقه ای، ملیتی و زبانی است، یافتن زندگی بر اساس شرف و فضیلت و تقوی است؛ زندگی بدون خوف از ابر قدرت ها است؛ بدان گونه که خدای را بدون خوف و خطری بپرستند و او را بدون واهمه عبادت کنند.

و بالاخره انتظار، نوعی تخلیه برای تخلیه است. نوعی آمادگی برای پاک شدن، دور ماندن از زشتی ها، ستمبارگی ها و وصول به تزکیه نفس، تجدید قوای خود برای شرکت در نهضت عظیم و انسانی، یافتن صفا و نورانیت است.» (قائمی، ۱۳۶۶: ۱۴-۱۳).

هر چند اصولاً انتظار به معنای خاص و جامع آن، ریشه در تفکرات اعتقادی و دینی و (در بعضی موارد مکتب های انسانی) دارد، نمی توان ماهیت فطری آن را انکار کرد. انتظار و امید به آینده روشن، یک صفت انسانی همه گیر است. «آدمی در سایه آن، آرزو دارد به منافع حال و آینده اش دست یابد؛ وجودش نشانگر بروز تمایلی انسانی و به حقیقت، تجلی زمینه های فطری انسان هاست. اصولاً مسأله انتظار را در آدمی از آن بابت فکری و درونی می دانند که در بین همه انسان ها عمومیت دارد.» (همان: ۱۴)

انتظار از دیدگاه ادیان و ملل مختلف جهان

با توجه به فطری بودن مسئله انتظار و عمومیت آن در میان تمامی جامعه بشری، این مسئله را باید یک مسئله جهانی دانست و باز با توجه به اینکه اساساً پرورش این پدیده فکری، توسط نظام های اعتقادی و دینی صورت می گیرد، باید جنبه ی جهان شمولی این موضوع را از نگاه ادیان مختلف جهان بررسی کرد. با بررسی ادیان و مذاهب مختلف جهان، روشن می شود که « این عقیده به مسلمانان اختصاص ندارد بلکه تمام ادیان و مذاهب مختلف آسمانی، با تفاوت هایی، به چنین امری معتقدند. پیروان همه ادیان، عقیده دارند که در یک عصر تاریک و بحرانی جهان که فساد و بیدادگری و بی دینی، همه جا را فرا گیرد، یک نجات دهنده ی بزرگ جهانی پیدا می شود که به واسطه نیروی فوق العاده غیبی، اوضاع آشفته ی جهان را اصلاح می کند و خداپرستی را بر بی دینی و مادیگری غلبه می دهد. این نوید خوش را نه تنها در کتاب هایی که به عنوان کتاب آسمانی باقی مانده اند؛ مانند کتاب زند و پازند و جاماسپنامه که از کتاب های مقدس زردشتیان است، کتاب تورات و ملحقات آن که کتاب مقدس یهود شمرده می شود و انجیل عیسویان، می توان پیدا کرد، بلکه در کتاب های مقدس برا همه و بوداییان نیز، کم و بیش دیده می شود.

همه ارباب ملل و ادیان، این اعتقاد را دارند و در انتظار چنین موعود نیرومند غیبی هستند. هر ملتی او را با لقب مخصوصی می شناسند. زردشتیان او را به نام سوشیانس (نجات دهنده جهان)، جهودان به نام سرور میکائیلی، عیسویان به نام مسیح موعود و مسلمانان به نام مهدی منتظر می شناسند. اما هر ملتی، آن نجات دهنده غیبی را از خودش می داند. زردشتیان، او را ایرانی و از پیروان زردشت می دانند، جهودان، او را از بنی اسرائیل و پیروان موسی می شمارند؛ عیسویان، او را هم کیش خودشان و مسلمانان از دودمان بنی هاشم و فرزند پیغمبرش می دانند. در اسلام به طور کامل معرفی شده ولی در سایر ادیان چنین نیست.» (امینی، ۱۳۸۵: ۶۹)

۳- مفهوم انتظار در قرآن و روایات

قرآن به عنوان جامع ترین دستور العمل برای زندگی بشر، در مسیر نیل به کمال حقیقی، در بسیاری از موارد، به مسئله انتظار و آینده روشن جامعه بشری پرداخته است. « قرآن کریم در بیش از صدو بیست آیه، به این معنی اشاره فرموده و اعلام داشته که اراده و خواست خداوند متعال بر این است که دوران حکومت شیطان را به پایان برد و بساط پیروان او را برچیند و حتماً بندگان صالح خویش را در همه جای زمین حکومت خواهد داد.» (حسینی بحرانی، ۱۳۷۴: ۲۲)

مضمون برخی از آیات مرتبط با مسئله ی انتظار:

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (انبیاء/ ۱۰۵)

« زمین را بندگان شایسته من وارث خواهند شد.»

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً نَبَاتٍ فِيهَا وَنَجْعَلُ لَهُمُ الْأَرْضَ مَعَادًا وَنَجْعَلُ لَهُمُ الْأَرْضَ مَعَادًا. (قصص / ۵)

« ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهمیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! »
 أَنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يَوْمَئِذٍ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. (اعراف / ۱۲۸)

« زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می کند و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است. »

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (صف / ۹)

« او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند. »

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا. (حدید / ۱۷)

« بدانید خداوند زمین را پس از مرگش، زنده خواهد گردانید. »

جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا. (اسراء / ۸۱)

« حق آمد و باطل نابود شد، یقیناً باطل نابود شدنی است. »

این آیات و ده ها آیه از این قبیل، مؤمنان را دلگرم آیند ه ای نوید بخش می کند و وقوع حتمی مورد انتظار را نشان می دهد. (قائمی، ۱۳۶۶: ۵۴-۵۰)

۴- انتظار به عنوان یکی از عناصر آزادیخواهی و مقاومت

آنچه در زمینه انتظار و چشم داشت فرج و گشایش در امور، در این پژوهش حائز اهمیت است، ماهیت این مسئله، به عنوان یکی از مؤلفه های آزادیخواهی و مقاومت است. شاید بتوان انتظار را در ابعاد و جنبه های مقاومتی تعریف نمود اما خواصی که در ورای این مفهوم است به راحتی آن را به آزادی خواهی و مقاومت پیوند می زند. اینک به برخی از جنبه های مقاومت مسئله انتظار اشاره می کنیم:

الف) مبارزه با یأس و ترسیم افق های روشن آینده

ایمان و اعتقاد به انتظار در میان ملت ها، آنها را به ادامه ی حیات انسانی و آینده روشن و دور از ظلم و ستم و ناملایمات امیدوار می کند. در سایه چنین تفکری است که انسان خویش را از ذلت و حقارت رهایی می بخشد در موضع ارزش می بیند و برای آینده تلاش می کند.

ب) ایجاد شور و هیجان و جنبش

جامعه ای که خویش را در سایه ی یک ولی و سرپرست قدرتمند و یک موعود حتمی ببیند، بی شک بی عدالتی و ناملایمات را تحمل نخواهد کرد و با تاسی به این تفکر و امید، شروع به حرکت و زمینه سازی برای تحقق این و ظهور منجی خواهد نمود.

ج) ماهیت اعتراضی مسئله انتظار

انتظار، در حقیقت نوعی اعتراض به اوضاع موجود است. ملت هایی که در مکاتب فکری و مذهبی خویش چنین فلسفه ای را پذیرفته اند، در حقیقت مدینه فاضله ای را پیش روی نظام های جهانی قرار داده اند تا به نوعی به کج روی ها و اختلافات این نظام ها اعتراض و انتقاد کنند. (برگرفته از قائمی، ۱۳۶۶: ۳۲-۶)

۵- انتظار در آئینه شعر

مسئله ی انتظار و ظهور مصلح، یکی از مفاهیمی است که هر چند در شعر کهن بسط و بسامد آنچنانی ندارد اما از ریشه بسیار عمیقی برخوردار است. قدمت شعر انتظار، حتی به قبل از امام زمان (عج) باز می گردد، به عنوان نمونه، «وقتی دعبل، اشعار معروف خود را نزد امام رضا (ع) قرائت می کرد، در پایان این بیت را خواند:

خروج امام لا محاله واقع یقوم علی اسم الله و البرکات

یعنی: نهضت یک امام، مسلم و حتمی است. او به نام خدا و با برکات قیام می کند. امام رضا (ع) به شدت گریست و فرمود: روح القدس، به زیانت سخن گفت. آیا آن امام را می شناسی؟ عرض کرد: نه، ولی شنیده ام که امامی از شما قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد.» (امینی، ۱۳۸۵: ۵۱)

«مسئله موعود، از موضوعات کهن و دیرینه شعر فارسی است و در شعر بسیاری از شاعران کهن، از جمله: سنایی، سعدی، مولوی، خواجه کرمانی، جامی و... به آن اشاره شده است. البته پیرامون طرح این موضوع، میان ادبیات کهن و شعر امروز تفاوتی است؛ یعنی در شعر قدیم، پرداختن به این موضوع، غالباً اشاره وار و اجمالی هست.» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۸۹)

در شعر کهن فارسی، مهدویت و انتظار در حاشیه قرار دارد. در واقع بسیاری از شاعران قدیم، در شعرهایی که به طور کامل به مسئله ظهور اختصاص ندارد، به عنوان یک تلمیح با اشاره تاریخی، به این موضوع پرداخته اند و یا در حد یکی، دو بیت در آن درنگ می کنند. سنایی، غزنوی، شاعر بزرگ قرن پنجم و ششم هجری، در یکی از قصاید خویش، چنین تصویری از ظهور ارائه می کند:

گرچه آدم صورتان سگ صفت مستولی اند	هم کون باشد که از این میدان دل عیار وار
جوهر آدم برون تازد، بر آرد ناگهان	زین سگان آدمی کیمخت و خر مردم دمار
گر مخالف خواهی، ای مهدی، درآ از آسمان	ور موافق خواهی ای دجال، یک ره سر بر آر

یک تپانچه مرگ و زین مردار خواران یک جهان
یک صلابی صور و زین فرعون طبعان صد هزار
باش تا از صد مت سور سرافیلی شود
صورت خویت نهران و سیرت زشت آشکار
تا ببینی موری، آن خس را که می دانی امیر
تا ببینی گرگی، آن سگ را که می خوانی عیار
(دیوان سنایی)

۶- انتظار در شعر قبل و بعد از انقلاب

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در بازیابی و احیای اصول انسان ساز مذهب جعفری محسوب می شود. مضامینی که تا این زمان، علیرغم پویایی و اثر گذاری تا حد زیادی مهجور مانده بودند، دوباره در صدر توجه اهالی قلم قرار می گیرند. علاوه بر این، در این دوره بر ساختار کاربردی و معانی عمیق و راهگشای این مضامین تأکید می شود.

« مفهوم انتظار، قبل از انقلاب در آثار شاعران اهل بیت، مذهبی و هیئتی و به صورت محدود، در آثار شاعران حرفه ای مسلمان حضور دارد. آثار شاعرانی چون: شهریار، امیری فیروز کوهی، ابوالحسن ورزی، قابل مقایسه با آثار شاعران پس از انقلاب نیست. در واقع پس از پیروزی انقلاب مفهوم انتظار در شعر شاعران، رنگ و جلوه های دیگر به خود گرفت. بعد از انقلاب و احیای باورها و آرمان های اسلامی، ما با وفور باورهای مذهبی در شعر مواجه می شویم که مهم ترین آنها، مسئله حوزه ی شعر آیینی و مفهوم انتظار است و انتظار با توجه با استقبال بسیار شاعران، تبدیل به برجسته ترین حوزه شعر آیینی شد و از لحاظ کیفی، ویژگی های خاص خود را پیدا کرد؛ ویژگی هایی که کاملاً متمایز از آثار شاعران قبل از انقلاب است. در اشعار انتظار معاصر، شاعر موعود را در ارتباط مستقیم خویش حس می کند و از همین منظر، شعر شاعران پس از انقلاب، بستری صمیمی و عاطفی ملموس و عینی است.» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۹۲)

زمستان سردم بهارم تو هستی
قضای خوش انتظارم تو هستی
پری از طراوت، پُری از تفاهم
منم شاخه و برگ و بارم تو هستی
به اندازه ی حجم عالم صبوری
تماشایی روزگارم تو هستی
در این غربت آباد بی اعتباری
فقط مایه ی اعتبارم تو هستی
غبار کدورت بر آئینه ها ماند
و آئینه بی غبارم تو هستی
رسان بر عطش های من قطره آبی
که سرمایه ی روزگارم تو هستی
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۳۳-۳۲)

صبحی دگر می آید ای شب زنده داران از قله های پر غبار روزگاران
از بی کران سبز اقیانوس غیبت می آید او تا ساحل چشم انتظاران
(حسینی، ۱۳۸۷: ۲۱)

در شعر ادبیات فارسی بهره گیری و موضوعیت قرار دادن «انتظار» سابقه ای بسیار دارد. اما وضعیت امروز ما در حوزه ادبیات نسبت به اجرای این موضوع در آثار ادبی چگونه است؟ گروهی معتقدند سفارشی شدن آثار مربوط به حوزه انتظار و مطالعه اندک بسیاری از شاعران در این زمینه، مهم ترین آسیب در حوزه شعر انتظار است که کیفیت این آثار را کاهش می دهد.

قربان ولیئی، شاعر و مدرس دانشگاه در زمره چنین افرادی است. او می گوید: جنبه سفارشی پیدا کردن اشعار، بزرگترین آفت خلاقیت شاعران است. از آنجایی که داوری جشنواره شعر انتظار را بر عهده داشتیم به راحتی می توانم بگویم ۶۰ درصد اشعار این حوزه فاقد ارزش و جایگاه شاخص است. (ولیئی، ۱۳۹۰: ۱)

وی معتقد است: اغلب این اشعار تنها یک ارتباط کلیشه ای با موضوع انتظار دارند. کمبود مطالعه و آگاهی نداشتن از موضوع حضرت موعود (عج) و دوران شرایط ظهور از نظر روایات و احادیث، اشعار این حوزه را به آثاری بی ارزش که تکرار مکرراتند تبدیل می سازد. در نهایت اغلب اشعاری از این دست، دعوت به ظهور را مطرح می کنند و کل مفهوم شعر در چنین مسئله ای خلاصه می شود. بنابراین تا زمانی که شاعران از نظر آگاهی و اندیشه تسلطی بر این موضوع نداشته باشند با تکرار و کلیشه روبرو خواهیم بود. (همان)

سید عباس سجادی می گوید: صمیمیت بیش از حد به شعر انتظار آسیب می رساند. او ادامه می دهد: صمیمیت بیش از اندازه با موضوع انتظار به شعر آسیب می رساند. به عنوان مثال بسیاری از شاعران واژه هایی چون " آقا جون" رابه کار می گیرند و این در شان شعر آیینی و شعر انتظار نیست. سجادی می گوید: از جهت کمی شعر انتظار در دوره معاصر جایگاه بالاتری از شعر انتظار در زمان گذشته دارد. اما از نظر کیفی بسیار زود است که بخواهیم جایگاه آن را بررسی کنیم و این کار نیازمند گذشتن زمان بیشتری است. (سجادی، ۱۳۹۳: ۲۸)

عباسعلی وفایی، برداشت های شخصی شاعران از موضوع مهدویت و جاری ساختن آنها در قالب تصاویر شعری در سروده های خود را اساسی ترین آفت شعر انتظار می داند؛ چرا که به باور او این برداشت های بدون تاریخ و اعتقادی صحیح به رواج خرافات در شعر منجر می شوند. (وفایی، ۱۳۹۴: ۱۲)

وفایی می گوید: این احتمال وجود دارد که شاعری برداشت های شخصی اش را بدون فکر در شعر جاری سازد در حالی که هیچ یک از برداشت ها و تصاویر سازی های او بر پایه اصول اساسی

جان کلام آن که "شعر انتظار"، شعری موضوع مند و معترض است. شعری که همواره بر وضع موجود می شورد و به افق موعود اشاره می کند. شعری که داعیه پیکار با ظلم و بی عدالتی، زشتی و پلشتی و نامردی و نامردمی را دارد و به دنبال بستر سازی برای استقرار حاکمیت "الله" بر جهان و بنیانگذاری "جامعه توحیدی" است. و اما لازمه اعتراض به وضع موجود، ترسیم آینده موعود است. این که ما بدانیم اکنون در چه نقطه ای قرار داریم و مطلوب ما رسیدن به کدامین نقطه و فتح کدامین قله است. مسلماً رسیدن به چنین بصیرتی، نیازمند نقد و آسیب شناسی دین و جامعه است. (سرویس فرهنگ و ادبیات هنر آنلاین)

در تمام ادیان، به وضوح تصریح شده است که کره زمین آستان بشری است که منجی و خاتم همه رنجها و آلام است و در شریعت از آن به انتظار فرج ولی عصر (عج) تعبیر شده است. مطلب دیگر که بسیار حائز اهمیت است این است که پدیده انتظار، به عنوان عامل تلطیف روح و موجد تکامل معنوی انسان به شمار می آید، خواه این انتظار مربوط به محبوب صوری باشد، خواه الهی. البته در مورد معشوق مادی، اگر انسان بتواند با مدد دلیل راه وجود خود را از فرعونیت به سوی سلامت متبدل سازد، زمینه ساز آن انتظار واقعی خواهد بود.

انتظار در شعر حسین منزوی

حسین منزوی در مجموعه اشعار خود در قسمت «شعرهای آیینی» غزلی با عنوان: «باغ نرگس» در ستایش امام مهدی (ع) سروده است:

می آیی و سمند تو را، عشق در رکاب	صبح سحر که پر نگشوده است، آفتاب
کوچک ترین ستاره چشمانم آفتاب	روشن به توست چشم و در پیشواز تو
ای باغ نرگس! ای همایون غنچه در تقاب	بشکف که چتر باز کنی بر سر جهان
از صد سراب رد شده ام در هوای آب	ای چشمه زلال که با آرزوی تو
از آن می هزار و دو صد ساله ام شراب	ساقی! خمار می کشدم گر نیاوری
ناباوران وصل تو، جمعی ز شیخ و شاب	با کاهلی به پرده پندار مانده اند
با بیم تیغ تیز برانگیزشان ز خواب	بیدار اگر به مؤده وصلت نمی شوند
ای آن که غیبت تو پُر است از حضور ناب	آری وجود حاضر و غایب شنیده ام
جز تو به شوق ما، چه کسی می دهد جواب	با شوق وصل دست ز عالم فشانده ایم

(منزوی، ۱۳۹۵: ۱۰۱۸)

هم چنین منزوی در مثنوی های خود شعری با عنوان «موعود» دارد که در این مثنوی به موضوع انتظار برای حضور و ظهور امام زمان پرداخته است. وی به این یقین و باور رسیده است که روزی انتظار پایان خواهد یافت و موعود ظهور خواهد کرد و با آمدنش روحی تازه و شاداب در زمین، رودها، کوه ها، دره ها، باغ ها و دشت ها دمیده خواهد شد.

در همین مثنوی منزوی از ظهور امام زمان تصویری این چنینی ساخته است که موعود همانند «زن ذهن من» است که:

گفته‌ام با دلم خواهد آمد	تا دلم با چه رنگش بنامد
گفته ام خواهد آمد سوارت	نیست بیهوده این انتظارات
روزی از روزها خواه و ناخواه	یک نفر خواهد آمد از این راه
آن که صید کمند شهابش	بسته توری ماهتابش
اخترانند و خورشید ها هم	قدسیانند و شاید خدا هم
خسته گشته ز صید ستاره	تور سیمین خود کرده پاره
گفته با آسمان ترک الفت	بسته با خاک عهد موذت
روزی از روزها خواهد آمد	تا دلم با چه رنگش بنامد
مژده اش را به شعر و سرودم	پیش از این ها به خود داده بودم...
معنی مطلق مهربانی است	عشق از او نیست و از وی جدا نیست
او- زن ذهن من- این چنین است	این چنین است کاو بهترین است
سالیانش دلم منتظر بود	اینک آن روز- آن روز موعود
گنگ و مبهم درون غباران	ز آن سوی شاهراه سواران
پیش می آید آنک سواری	شاید این اوست- این اوست- آری!

(منزوی، ۱۳۹۵: ۵۷۴)

در برخی از اشعار حسین منزوی، مفهوم انتظار نهفته است؛ این انتظار، بیشتر جنبه ی روحانی و عارفانه دارد اما می توان در آن، تمامی خصال یک انسان منتظر و جلوه های یک منتظر را دریافت.

خیام ظلمتیمان را ، فضای نور کنی به ذهن ظلمت اگر لحظه یی خطور کنی
نشسته ام به عزای چراغ مرده ی خود بیا که سوک مرا، ای ستاره سور کنی
برای من ، همه، آن لحظه است، لحظه ی قدر که چون شهاب، در آفاق شب عبور کنی
هنوز می شود از شب گذشت و روشن شد اگر تو - طالع موعود من! - ظهور کنی
نه از درنگ، ز تثبیت شب هراسانم اگر در آمدنت بیش از این قصور کنی
(منزوی، ۱۳۹۵: ۳۵)

شاید بتوان گفت که یکی از اساسی ترین اندیشه های شعر حسین منزوی ، اندیشه انتظار موعود است. شاعر در این غزل در آرزوی رسیدن به آزادی سخن می گوید و با بهره گیری از امکانات ادبی و بیانی، خطاب به معشوق که همان منجی عالم بشریت است می خواهد با ظهور و جلوه گریش دل و ذهن ظلمت زدگان را به نور و امید بدل نماید. و طالع موعود ظهور نماید و انتظار فرج حاصل آید. مفهوم انتظار در غزلیات منزوی را می توان در عناوینی چنین، مورد بررسی قرار داد:

الف) امید به آینده ای روشن و نوید بخش:

تصور یک آینده ی روشن، همراه با تمامی خوبی ها و رسیدن به آرزوهای انسانی در برخی از غزلیات او حضور دارد. این آینده نگری امیدوارانه ، همیشه با تفسیری از پریشانی و ناملایمات انسان، انحرافات، تردیدها، سیاهی ها و پلیدی و چشم های منتظر در انتظار مصلح و یاری دهنده همراه است:

تو خواهی آمد و آواز با تو خواهد بود پرنده و پر پرواز با تو خواهد بود
تو خواهی آمد و چونان که پیش از این بوده است کلید قفل فلق، باز با تو خواهد بود ...
در آرزوست دلم راز، اسم اعظم را تو خواهی آمد و آن راز، با تو خواهد بود
برای دادن عمر دوباره ای به دلم تو خواهی آمد و اعجاز با تو خواهد بود.
(منزوی، ۱۳۹۵: ۱۳۳)

منزوی معتقد است که ظهور نزدیک است و با ظهور منجی، عالم پر از نور خواهد شد و همه چیز تحت فرمان کنترل وی خواهد بود.

ای عاشق خورشید! که در عشق بزرگت پیراهن خونین تو برهان مبین است
هر چند هنوز آن سوی این ظلمت ظالم خورشید درخشنده ی تو پرده نشین است

اما دمد آن صبح به زودی که ببینیم عالم همه خورشید تو را، زیر نگین است
 مرادلی است ز دوریت پاره پاره ی تو (منزوی، ۱۳۹۵: ۹۵)
 بهل که همسفر جاودانگان باشد که زنده می شود از دیدن دوباره ی تو
 ز موج خیز بلا بر کنار دار مرا دل پیاده ی من با دل سواره ی تو ...
 هزار مرتبه گم می شدم در این شب هول که رانده ام به امیدی سوی کناره ی تو
 به بوی عمر دوباره، میان مرگ و حیات نبود اگر چراغ رهم ستاره ی تو ...
 نشسته ام به امید تو و اشاره ی تو (منزوی، ۱۳۹۵: ۵۴۳)

منزوی در این غزل به خاطر دوری از مراد و دلدار خود در درد هجران و اندوه می سوزد و می سازد اما این امید را در دل خود دارد که با ظهور موعود عمری دوباره خواهد یافت و تمامی امواج بلا و مصیبت از او دفع خواهد شد.

ستاره می دهد از چشم های روشن تو بهار می شکفت در زمینه ی تن تو
 فرشتگان، چو گل عشق در تو می شکفتند بهار نیست، بهشت است فصل دیدن تو
 تو تکیه گاه منی و ز تو مُرده ام زنده است مرا رها نکنی دست من به دامن تو
 رسد به خوشه ی پروین و ماه اگر دستم همه بچینم و آویزمش به گردن تو
 تو می شکوفی و پاییز می شود پر پر گل همیشه بهارم، خوشا شکفتن تو
 (منزوی، ۱۳۹۵: ۵۳۵)

شاعر در غزل فوق حضور و ظهور موعود را به فصل زیبای بهار مانند می کند و وی را حامی و تکیه گاه خود می خواند. و در صورت دسترسی به خوشه ی پروین و ماه آنها را همانند گردن آویزی به گردن می اندازد چهره ی معشوق تا همیشه پر طراوت است با حضورش فصل زردی و خزان برای همیشه به بهار سرسبز و جاودان مبدل می شود.

شاید مضمون اصلی بسیاری از این گونه اشعار، مفهوم انتظار و مهدویت نباشد اما در میانه ی این اشعار، انتظار به شکل ملموسی احساس می شود. «در حدیثی گرانبها از پیامبر اسلام (ص) نقش فوق العاده "امید" در زندگی بشر به خوبی نشان داده شده که می فرمایند:

أَلْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِمُتًى، وَلَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضِيتُ وَالِدَهُ وَكَلَدَهَا وَلَا غَرَسَ غَارِسَ شَجَرًا!

شاعر با نگاه بر این باور که صاحب امر روز جمعه ظهور خواهد کرد یاد آور می شود و از او می خواهد که تعجیل در ظهور باشد و با آمدنش جهان را پر از عدل و داد کند.
دستش از گل، چشمش از خورشید سنگین خواهد آمد
بسته بار گیسوان از نافه ی چین خواهد آمد ...
ای دل من! سر مزن بر سینه این سان ناشکیبا
لحظه یی، دیوانه جان! آرام بنشین خواهد آمد
خواهد آمد ، خواهد آمد آری، اما گر نیاید
باز سقف ، آسمان امروز پایین خواهد آمد!

(منزوی، ۱۳۹۵: ۶۱)

منزوی در این غزل با به کار بردن فعل « خواهد آمد» به عنوان ردیف، امید و انتظار فرج را در دل خود و خواننده نوید می دهد و منتظران را برای تحمل انتظار و امید در فرج با صبر و شکیبایی فرا می خواند.

خوش باد گلگشت نگاه بی قرار من در فصل دیدار تو، ای باغ تماشایی!
تعبیر کن خواب مرا: قفل و در بسته ای تو کلید رمز این خواب معمایی!

(منزوی، ۱۳۹۵: ۴۷۶)

شاعر امیدوار است که چشمانش با دیدار و ظهور موعود نورانی گردد با جلوه گری معشوق عالمیان (منجی عالم) قفل و در بسته ی عدالت و آرامش گشوده شود و باغ تماشایی عدالت جلوه گری نماید.

در انتظار تو تا کی سحر شماره کنم؟ ورق ورق شب تقویم کهنه پاره کنم؟
نشانه های تو بر چوب خط هفته زخم که جمعه بگذرد و شنبه را شماره کنم
برای خواستن خیر مطلقى که تویی به هر کتاب ز هر باب استخاره کنم
شب و خیال و سراغ تو، باز می آیم که بهت خانه ی در بسته را نظاره کنم
تو کی ز راه میایی که شهر شب زده را به روشنایی چشمم چراغواره کنم؟
زیاس های تو ممشی پاشم از سر شوق به روی آب و قدح را پر از ستاره کنم
هزار بوسه ی از انتظار لک زده را نثار آن لب خوشخند خوش قواره کنم

هنوز هم غزلم شوکرانی است الا که از لب تو شکر خندی استعاره کنم

(منزوی، ۱۳۹۵: ۶۵)

شاعر این غزل را نیز با انتظار شروع کرده است که با ظهور و حضور منجی عالم این انتظار به دیدار و لقاء پیوند گره بخورد و تمامی سختی‌ها و گرفتاری‌ها پیش با حضور موعود پایان پذیرد.

ب) بیان ناامیدی و یاس از ظهور منجی

بزرگترین خطری که هر جامعه را تهدید می‌کند و سقوط و انحطاط آن را قطعی می‌سازد، یاس و ناامیدی از رسیدن به کمال و سعادت است. اگر این بیماری خطرناک به ذهن و اندیشه جامعه و به خصوص جوانان سرایت کند، می‌تواند به راحتی آن جامعه را به قهقرا و نابودی بکشاند. این خطر، امروزه بیشتر از گذشته جوامع انسانی را تهدید می‌کند و بشر امروزه علی‌رغم پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی، نتوانسته به منشور سعادت خود دست یابد «انتظار و باور عمیق و قلبی به فرا رسیدن و ظهور موعود و سامان یافتن اوضاع پریشان بشر است. این مضمون نیز در اشعار حسین منزوی به طور اندک دیده می‌شود. مثال:

درخت کوچک من! ای درخت کوچک من صبور باش و فراموش کن بهاران را

به خیره گوش خوابان، از این سوی دیوار صلائی سمُ سمندان شهسواران را

سوار سبز تو هرگز نخواهد آمد، آه! به خیره خیره مبر رنج انتظاران را

(منزوی، ۱۳۹۵: ۲۸)

آزرده ام، آزرده از این عمر نفس گیر این تهمت آلوده به بدنامی و تحقیر

بس خسته ام ای شوق رهایی تو کجایی؟ تا باز کنی از دل و دستم غل و زنجیر

(منزوی، ۱۳۹۵: ۴۹۵)

اما باید توجه داشت که مسلمان واقعی هرگز در برابر توسعه فساد اجتماعی، ظلم و بیدادگری، اختلافات و جنگ‌ها؛ زانو نمی‌زند و از اصلاح عمومی جهان مایوس نمی‌شود. همین امید و انتظار آنها را در برابر مفاسد اجتماعی بیمه می‌کند و از خود باختگی و آلودگی نجات می‌بخشد.

ج) انتظار و امید

«مسلمان با ایمان بر خلاف آن‌چه "بد بین‌ها" تصور می‌کنند عاقبت جهان را به "شر" نمی‌داند و معتقد نیست که نسل بشر در آینده طی یک "جنگ خانمان سوز اتمی" نابود می‌شود؛ بلکه

معتقد است، بشریت، آینده درخشانی دارد و روزی فرا می رسد که در سایه ی قیام یک مرد آسمانی، جهانی مملو از صلح، عدالت، علم و ایمان خواهد ساخت.» (مکارم شیرازی، ۱۳۴۳: ۱۶)

بنابراین بسیاری از شاعران شیعه با نگاهی روشن به آینده تاریخ بشری همواره روح امید رادر کالبد دمیده اند و ظهور منجی را بسیار نزدیک دانسته اند؛ در واقع؛ امید چراغ پر فروغ زندگی است و در سایه ی امید است که زندگی بشر رونق می یابد.

بر اساس این امیدواری به آینده، شیعیان و تمامی ستم دیدگان جهان، چشم به آینده دنیا دوخته اند که در آن زمان حکومت از آن صالحان و پاکان خواهد بود. این مضمون امید به آینده و ظهور منجی در اشعار زیادی مورد تاکید و توجه قرار گرفته، همان گونه که شاعر می گوید:

در آرزوست دلم راز اسم اعظم را تو خواهی آمد و آن راز، با تو خواهد بود
برا یدادن عمری دوباره ای به دلم تو خواهی آمد و اعجاز با تو خواهد بود

(منزوی، ۱۳۹۵: ۱۳۳)

د) اعتراض

بعد اعتراضی اندیشه ی انتظار در شعر منزوی، اینگونه هویدا می شود که از اوضاع پریشان و نا بهنجار جهان می گوید و ظهور مصلح را پایانی برانحرافات و بی نظمی های جهان بشری در قرون معاصر تلقی می کند. در واقع، شاعر با آرزوی ظهور منجی، به نوعی به وضعیت امروز جهان انتقاد می کند؛ این تفکر ریشه در اعتقاد انقلابی شاعر دارد:

قصد جان می کند این عید و بهارم بی تو این چه عیدی و بهاری است که دارم بی تو
گیرم این باغ، گلاگل بشکوفد رنگین به چه کار آیدم ای گل! به چه کارم بی تو؟
با تو ترسم به جنونم بکشد کار، ای یار! من که در عشق چنین شیفته وارم بی تو
به گل روی تو اش در بگشایم ورنه نکند رخنه بهاری به حصارم بی تو
باغمت صبر سپردم به قراری که اگر هم به دادم نرسی، جان بسپارم بی تو
بی بهار است مرا شعر بهاری، آری نه همین نقش گل و مرغ نیارم بی تو

(منزوی، ۱۳۹۵: ۳۶۱)

شاعر در غزل فوق اعتراض خود را حتی به عید و بهار هم دارد که عید و بهار بی روی یار (منجی) صفایی ندارد.

از زمزمه دلنگسیم، از همه‌به بی زاریم نه طاقت خاموشی، نه تاب سخن داریم
 آوار پریشانی ست، روسوی چه بگریزم؟ هنگامه‌ی حیرانی ست، خود را به که بسپاریم؟
 دوران شکوه باغ، از خاطرمان رفته است امروز که صف درصف، خشکیه و بی باریم
 ما خویش ندانستیم، بیداری مان از خواب گفتند که بیدارید، گفتیم که بیداریم!
 من راه تو را بسته، تو راه مرا بسته امید رهایی نیست، وقتی همه دیواریم
 (منزوی، ۱۳۹۵: ۲۷)

شاعر در این غزل به اجتماع زمان خود اعتراض دارد و مردمانی که اهل های و هوی هستند و هدفی برای پیشرفت ندارند زبان اعتراض می‌گشاید؛ و به خاطر جو خفگان و استبداد در حیرانی و پریشانی است و هیچ‌امیدی برای رسیدن آزادی و عدالت در مقابل خود نمی‌بیند.

باز آسمان مه آلود است، اما بارانی ندارد

آه از این ابر-این ابری که نه می‌رود، نه می‌بارد

ماه از محاق تعطیلش به روی چشم انتظاران

دری نمی‌گشاید و سری بیرون نمی‌آرد

(منزوی، ۱۳۹۵: ۲۹۴)

شاعر در غزل فوق بر این باور است که حتی آسمان و ماه نیز بر این وضع حاکم اعتراض می‌کنند و بر آن نیستند که گشایشی ایجاد شود و عدالت و آزادی برقرار گردد.

بیا که چشم به راهی، برید امانم را به لب رساند، غم انتظار، جانم را

بیا و وحشتی از شب مکن که چون دو چراغ دلم به راه تو آویخت، دیدگانم را

(منزوی، ۱۳۹۵: ۳۴۱)

منزوی در این غزل اعتراض خود را بر غم انتظار ی که کشیده است نشان می‌دهد و از منجی می‌خواهد که ظهور کند و با حضورش دیدگان اشکبارش را منور و نورانی نماید.

ملال پنجره را آسمان به باران شست
از این دو پنجره اما - از این دو دیده ی من
امان ندارد زمان تا نشان دهیم که دست
گذشتی از من و هرگز گمان نمی کردم
تو آن مقدس بی مرگ - آن همیشه که تن
تو آن کلام که از دفتر همیشه ی من
چهار چشم غبارینش ، از غباران شست
مگر ملال تو را می شود به باران شست؟
هنوز می شود از جان ، به جای یاران شست
که دست می شود این سان ز دوستداران شست
درون چشمه ی جادوی ماندگاران شست
تو را نخواهد باران روزگاران شست

(منزوی، ۱۳۹۵: ۴۷۰)

شاعر به خاطر کوتاهی عمر شکوه می کند و از اینکه نمی تواند زمان موعود را شاهد باشد رنج می برد، اما به آن امیدوار است که حتی بعد از مرگ نیز ذکر و یاد یار مقدس و بی مرگ در روح و روانش ماندگار خواهد بود. و شاعر بر این باور است که چرخش روزگار و ایام نمی تواند سرنوشت و ظهور منجی را بر هم زند و روزی زمان هجر با حضورش به وصل و لقاء خواهد انجامید.

نتیجه گیری:

موضوع انتظار موعود و آزادیخواهی و مقاومت یکی از مسائل مهم شیعیان و در سطحی گسترده تر مورد توجه همه مردم جهان است. این نگرش و اندیشه نشان می دهد که آینده بشر سرانجام خوب و آرامی را رقم خواهد زد.

با عنایت به مفهوم انتظار از دیدگاه قرآن و روایات و از دیدگاه ادیان و ملل مختلف جهان ؛ این مضمون در اشعار همه دوره ها مورد توجه بوده، اما در دوره انقلاب اسلامی توجه بیشتری به آن معطوف شده است و نشان می دهد که این نوع شعر از جهت بروز، ظهور و فراوانی تابع وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه است. علاوه بر این، مسئله ای که نقش کاربردی در حیات بشری دارد، مسئله انتظار منجی است که از مفاهیم تقریباً همه گیر دینی در جهان است. این مسئله در ورای خود، اندیشه های متعددی را می پرورد. ملت های مبارز و معتقد به این اندیشه ، با تکیه بر ثمرات فکری آن، سیر حرکت مقاومت و پایداری خویش را جهت و سرعت می بخشد. همچنین مضامینی که در این اشعار به کار رفته اند متناسب با دوره و روزگار معاصر هستند. مضامینی چون: جنگ، انتظار، مشکلات اجتماعی، دلنگی ناشی از طولانی شدن غیبت، بی عدالتی و همچنین اعتراض به منتظر نماها. شعر حسین منزوی نمونه ای روشن در به کارگیری از این مضامین اجتماعی و اعتقادی در ادبیات معاصر می باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- اسماعیلی، رضا (۱۳۹۰)، از آب تا آفتاب، مجموعه مقالات ادبی، انتشارات انجم قلم ایران.
- ۲- امیری خراسانی، احمد و صدقیان زاده، قاسم (۱۳۹۱). «بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی» نشریه ادبیات پایداری، شماره پنجم، سال سوم، صص ۲۶-۵.
- ۳- امین پور، قیصر (۱۳۹۴). اگر عشق نبود (منتخب هشت دفتر شعر) چاپ اول، تهران: سخن.
- ۴- امین پور، قیصر (۱۳۸۸). مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، تهران: مروارید.
- ۵- امینی، ابراهیم (۱۳۸۵). دادگستر جهان، چاپ سوم، قم: نشر شفق.
- ۶- حسینی بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴). سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، چاپ دوم، تهران:
- ۷- حسینی، سید حسن (۱۳۸۷). هم صدا با حلق اسماعیل، چاپ پنجم، تهران: سوره ی مهر.
- ۸- دانشنامه‌ی دانش‌گستر (۱۳۸۹). زیر نظر علی رامین، کامران فانی، محمد علی سادات، چاپ اول، تهران: موسسه دانش‌گستر روز.
- ۹- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه، ج سوم، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۰- روزبه، محمدرضا (۱۳۷۹). سیر تحول غزل فارسی از مشروطیت تا انقلاب، چاپ اول تهران: انتشارات روزبه.
- ۱۱- سجادی، سید عباس (۱۳۹۳). سه شنبه های نیاوران، ج ۳، انتشارت نیماز، چاپ اول.
- ۱۲- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۷). طنین بیداری، تهران: نشر تکا.
- ۱۳- قائمی، علی (۱۳۶۶). مسئله انتظار، قم: انتشارات هجرت.
- ۱۴- محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸). شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۴۳). «انتظار، انتظار»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۳، سال ششم، صص ۱۹-۷.
- ۱۶- منزوی، حسین (۱۳۹۵). مجموعه اشعار، به کوشش: حسین فتحی، چاپ چهارم، تهران: موسسه انتشارات آفرینش و موسسه انتشارات نگاه.

۱۷-نورزاده، حسن (۱۳۹۰). «تأثیر انقلاب اسلامی بر پویایی شعرانتظار»، مجله امان، شماره ۳۴، صص ۲۱-۲۴

۱۸-وحیدی، سیمین دخت (۱۳۸۸). ترانه صبح، تهران: نشر تکا.

۱۹-ولئی، قربان (۱۳۹۰). آسیب شناسی شعر انتظار، خبرگزاری کتاب ایران، چهارشنبه ۲۲ تیر ماه ۱۳۹۰

۲۰-وفایی، عباس علی (۱۳۹۴)، شاعران حوزه خراسان، انتشارات سخن.

۲۱- سرویس فرهنگ و ادبیات هنر آنلاین.

Received: 2018-12-02

Accepted: 2019-06-14

Study and Analysis of Expectation in Hossein Monzavi's Poetry from
Islamic Mystical Perspective

Reza Hadilou

PhD Student, Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Zanzan
Branch, Zanzan, Iran
Touraj Aghdaie*

Associate Professor, Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Zanzan
Branch, Zanzan, Iran, corresponding author

Heydar Hassanlou

Assistant Professor, Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Zanzan
Branch, Zanzan, Iran

Mehri Talkhabi

Assistant Professor, Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Zanzan
Branch, Zanzan, Iran

Abstract

Out of thoughtful and mental elements, the elements of expectation and liberalism and fighting with oppression are of special significance, extracted from the school of Shiism and heavenly religions, especially Islam, whose power and widespread impacts on the course of social and political movement in our society and the knowledgeable, ethical and mystical attitudes in various eras are undeniable

Monzavi in his works in lyrical and couplet forms has clearly dealt with the promised savior and expectation whereby he himself has believed it wholeheartedly as a true anticipator of savior so that one may say even in his romantic poems exists a sort of anticipation and hope, paraphrase of the lover's toward Mahdi and the certainty of upcoming savior

This paper tries to investigate and examine the nature of expectation and liberalism and resistance as well as the nature of objection and expectation during the course of thinking, and fighting with oppression based on the lyrics by Hossein Monzavi

Keywords:

Expectation, Islamic Mysticism, Shiism, Hossein Monzavi

*dr.aghdaie@gmail.com.